

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحَبَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيّاً وَ حَافِظاً وَ قَائِداً وَ نَاصِراً وَ دَلِيلاً وَ عَيْناً حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً»

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الأرواحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَداً ما بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لا جَعَلَ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ. أَلْسَلَامُ عَلَى الحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الحُسَيْنِ وَ عَلَى أولادِ الحُسَيْنِ وَ عَلَى أصحابِ الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام.

حال و هوای محرم در شهر و در فضای دل ما در حال آماده شدن است و کم کم هیأت ها و دسته جات، حسینیه ها و تکایا خود را برای عزاداری سالار شهیدان حضرت سیدالشهدا علیه السلام آماده می کنند. این یک موهبت الهی و حرارتی است که خدای متعال در قلوب مؤمنین به ودیعه نهاده است. محبت امام حسین علیه السلام گوهر گرانبهایی است که این گوهر را به هرکسی نداده اند. خدا را شاکر هستیم که امسال هم این توفیق نصیب ما شده که بتوانیم در مجالس عزای امام حسین علیه السلام شرکت کنیم. این روضه ها امانتی از جانب خداست. عشق حسین علیه السلام فلسفه زندگی ماست.

تقدیر زندگی مرا مادرش نوشت	پس شور و عشق و عاشقی ام، کار مرتضی است
با گریه تا حسین چه نزدیک می شویم	هرجا که دل شکست، همان قطعه کربلاست
این فرش روضه نیست که بال ملائک است	گرد و غبار مانده بر این فرش کیمیاست
از روضه های او به بزرگی رسیده اند	او فخر جبرئیل و تمامی انبیاست
مهر حسین، پایه دینداری من است	مهر حسین، گنج گران قدر قلب ماست

خیلی باید خدا را شاکر باشیم که این نعمت عظیم که به عنوان ارادت به ساحت مقدس سالار شهیدان حضرت سیدالشهدا علیه السلام است را خدای متعال به ما عنایت و موهبت فرموده است. عرضم را با شما دوستان عزیز اینگونه آغاز می کنم که در فرهنگ عاشورا، حضرات معصومین علیهم السلام ما را اینطور تربیت کردند که برای اشک و گریه ارزش خاصی قائل باشیم. ایشان بر اقامه این مجالس تشویق می کردند و برای کسانی که بتوانند در اقامه مجالس امام حسین علیه السلام شرکت و عرض ادب کنند، اجر و پاداش قرار می دادند. حدیثی از حضرت صادق علیه السلام را تقدیم حضورتان می کنم که فرمودند:

«مَنْ ذَكَرَنَا أَوْ ذَكَرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ دَمْعٌ مِثْلَ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ»

«اگر در نزد شخصی، یاد ما بشود و هنگامی که به یاد ما می افتد و یا از ما یاد می کند، از چشمهایش ولو به اندازه بال پشه ای اشک جاری شود، خدای متعال گناهان او را می آمرزد. ولو به اندازه کف دریا باشد.»

یا فرمودند:

«مَنْ ذَكَرَنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ حَرَمَ اللَّهِ وَ جِهَهُ عَلَى النَّارِ.»

«اگر یاد ما در نزد کسی شود و چشم های او گریان بشود، خدا آتش جهنم را بر او حرام می کند.»

امام صادق علیه السلام به جناب فضیل فرمودند: «تَجَلِسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ؟»

«دور هم می نشینید، یاد ما می کنید؟ حدیث ما را برای هم نقل می کنید؟»

عرض کرد: «نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ»

«بله! فدای شما شوم. ما دور هم می نشینیم، روایات شما را، احادیث شما را برای هم بازگو می کنیم.»

حضرت فرمودند: **«إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا، فَأَحْبَبُوا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا.»**

«من این مجالس رو خیلی دوست دارم. پس احیا بدارید، زنده نگه بدارید امر ما را ای فضیل. خدا رحمت کند کسی که زنده نگه بدارد و احیا کند امر ما را.»

بعد فرمودند:

**«يَا فَضِيلُ، مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِّرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلَ جَنَاحِ الدُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ»**

«یا فضیل، اگر کسی یاد ما کند یا در نزد او یاد ما بشود و از چشمهای او مانند بال پشه ای اشک ریخته شود، خدا گناهان او را می آمرزد اگر چه به زیادی کف دریا باشد.»

همه این روایات در مورد فضیلت گریه بر مصائب و حوادث تلخی که بر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام وارد شده و واقع شده بود، حاکی از فضیلت و ارزش بالای این اقامه مجالس است و اساسا خود حضرات معصومین علیهم السلام اولین کسانی بودند که این نوع مجالس را دایر می کردند و روایات فراوانی داریم در خصوص اینکه قبل از شهادت امام حسین علیه السلام، جزئیات واقعه کربلا را پیامبر صلی الله علیه و آله بیان فرموده بودند و برای حادثه تلخ روز عاشورا، پیامبر عزیزمان صلی الله علیه و آله اشک ریخته بودند.

سعید ابن جبیر از ابن عباس روایتی نقل می کند که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودند و امام حسن علیه السلام وارد شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله تا چهره مبارک فرزندشان را دیدند، گریه کردند و فرمودند: **«الی، الی یا بنی.»** ایشان هم آمدند خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و روی پای راست آن حضرت نشستند. **«ثم اقبل الحسين عليه السلام.»** سپس سیدالشهدا سلام الله علیه وارد شدند. **«فلما راه بکی.»** وقتی که آن بزرگوار امام حسین علیه السلام را دیدند، اشک ریختند و فرمودند: **«الی، الی یا بنی.»** نزدیک من بیا، نزدیک من بیا فرزند عزیزم. و امام حسین علیه السلام روی پای چپشان نشستند. (روایت طولانی است، من در این قسمت شما را معطل نمی کنم و تنها نکته ای که مد نظر دارم را خدمتتان عرض می کنم. پیامبر صلی الله علیه و آله مسئله شهادت امام حسین علیه السلام را بارها و بارها بیان فرموده بودند و ایشان هم در مصیبت امام حسین علیه السلام گریسته بودند). در ادامه ایشان مصیبت هایی که بر اهل بیت علیهم السلام وارد می شد را یک یک یاد کردند و در ادامه فرمودند: **فاما الحسين و انی لما رایته تذکرت ما یصنع به بعدی.** اما فرزندم حسین علیه السلام؛ وقتی می بینم فرزندم حسین علیه السلام را که در آینده چه کاری با او انجام می دهند. **کانی به و قد استجار بحرمی و قربی فلا یجار.** وقتی که به حرم من پناهنده و نزدیک می شود ولی کسی نیست که او را پناه دهد. **فاضمه فی منامی الی صدری.** فرزندم حسین علیه السلام را در خواب به آغوشم گرفتم و **آمره بالرحله عن دار هجرتی.** به فرزندم حسین علیه السلام گفتم که از مدینه خارج شو و هجرت کن. **و ابشره بالشهادة.** فرزندم به شهادت بشارت داده شد. **فیرتحل عنها الی ارض مقتل و موضع مصرعه ارض کرب و بلا و قتل و فناء.** کوچ کردند و به سوی زمینی رفتند که مقتل او و موضعی که محل شهادت او است، زمینی به نام کرب و بلا و کشتن و فنا شدن. **تنصره عصابه من المسلمین.** فقط عده کمی از مؤمنین و مسلمانها او را یاری می کنند. **اولئک من ساده شهداء امتی یوم القیامة.** کسانی که او را یاری می کنند، آقایان و سروران شهدای امت من در روز قیامت هستند. بعد فرمودند **کانی انظر الیه.** مثل این است که همین الان صحنه عاشورا را، آن واقعه جانسوز را نگاه می کنم و جلوی چشمم می بینم. **و قد رمی بسهم،** وقتی که او را با تیر می زدند، **فخر عن فرسه صریعا،** از بالای اسب به زمین می افتد. **ثم یذبح کما یذبح الکبش مظلوما.** بعد اینکه از بالای اسب به زمین افتاد، سر او را مانند سر گوسفند مظلومانه می برند. **ثم بکی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بکی من حوله.** پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گریه کرد و افرادی که اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند، همه با صدای بلند گریستند **و ارتفعت اصواتهم بالضحیح،** با ضجه و ناله، بلند بلند گریه می کردند. **ثم قام رسول الله صلی الله علیه و آله و هو یقول اللهم انی اشکو الیک ما یلقى اهل بیتی بعدی.** خدایا من به تو شکایت می کنم. به تو گله می کنم از این کسانی که با اهل بیت من، بعد از من چنین کردند.

و روایاتی از این باب فراوان داریم که پیامبر صلی الله علیه و آله خبر می دادند، اهل بیت علیهم السلام واقعه کربلا را به شکل های مختلفی در مقابل مردم بیان فرموده اند و تاریخ مسأله کربلا به قبل از شهادت امام حسین علیه السلام برمی گردد. روایات فراوانی داریم که انبیا علیهم السلام بر مصیبت امام حسین علیه السلام گریه کرده اند. حضرت آدم علیه السلام گریه کرده است، حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه

السلام، جناب اسماعیل علیه السلام و سایر انبیا سلام الله علیهم اجمعین. روایات فراوانی داریم که خداوند متعال آنها را متذکر شده است بر مصیبت امام حسین علیه السلام و آنها گریان بودند و بر این مصیبت اشک می ریختند. همچنین روایاتی که تأثیر شهادت امام حسین علیه السلام را بر جمیع ملک و ملکوت بیان می کند، فراوان است. نه تنها آدمیان بر این مصیبت اشک می ریختند، بلکه این مصیبت بر کل عوالم هستی اثر گذاشته و آنها هم در این مصیبت گریان بودند.

«عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ شَبِيبٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنَ الْمُحَرَّمِ». اول روز محرم که شد، ریان ابن شیبیب می گوید خدمت حضرت ثامن الحجج علیه الصلوة و السلام رسیدم. حضرت فرمود: «يَا ابْنَ شَبِيبٍ!» ای پسر شیبیب! «وَلَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ لِقَتْلِهِ» به جهت شهادت جد من سید الشهداء علیه السلام، آسمان های هفتگانه و زمین ها بر او گریه کردند. «يَا ابْنَ شَبِيبٍ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ» ای پسر شیبیب! پدرم برای من نقل کرد از پدرش، از جد خود که «لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ جَدِّي» وقتی که جد من سید الشهداء علیه السلام کشته شد، «مَطَرَتِ السَّمَاءُ دَمًا وَ تُرَابًا أَحْمَرَ» باران خون بارید و خاک ها همه قرمز رنگ شدند، آسمان ها تحت تأثیر قرار گرفتند.

و یا همچنین در روایات دیگری دارد که امام صادق علیه السلام به جناب ثمالی فرموده اند: «وَقَدْ بَكَتَكَ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ وَالْجِبَالُ وَالْبِحَارُ» تمام کوه ها، دریاها، زمین، آسمان، پرند ها، اشجار، همه گریه کردند بر مصیبت امام حسین علیه السلام و در این مصیبت همه متأثر بوده اند، بلکه عوالم دیگر بیشتر گریستند و آنها ضجه بیشتری می زدند.

در بعضی از زیارات این گونه آمده است که عرضه می داریم: «بابی وامی من بکته لطیب وفاته سماء الله وارضه وملائکته» پدر من، مادر من فدای کسی که به جهت شهادت او آسمانها، زمین و ملائکه گریه کردند و بر این مصیبت اشک ریخته اند.

تمام عوالم تحت تأثیر این مصیبت عظاما قرار گرفت. گاهی اوقات در بعضی از روایات داریم که در همان روز عاشورا مرغان بال های خود را به خون های شهدای کربلا، به خون سید الشهداء علیه السلام رنگین کرده بودند و به جاها و نقاط مختلفی رفتند و همان روز خبر شهادت امام حسین علیه السلام را به سایر نقاط رساندند.

جان عالمیان به قربان مظلومیت یا ابا عبدالله! که تمام ملک و ملکوت تحت تأثیر این شهادت عظامی شما قرار گرفت. با توجه به این همه وسعتی که اثرگذاری شهادت امام حسین علیه السلام در ملک و ملکوت و در زمین و آسمان ها به جای گذاشته است، ائمه معصومین علیهم السلام بر زنده نگه داشتن واقعه کربلا تشویق فراوان کرده اند و این فرهنگ عزاداری به عنوان یک میراث گرانبها از حضرات معصومین علیهم السلام به ما رسیده است.

شما دوستان عزیز را به توجه به این نکته بسیار بسیار مهم که از بزرگان ما به ما به ارث رسیده، دعوت می کنم: دو واقعه است که باید بسیار در بزرگداشت آن اهتمام بورزیم و همگان باید در گرامیداشت این دو واقعه مهم تاریخ اسلام کوشش کنیم: ۱- احیای غدیر؛ مسأله غدیر، مسأله بسیار مهمی است که هویت شیعه در گروهی مسأله غدیر است؛ ۲- و یکی مسأله عاشورا و محرم است.

شیعه، سخن خود را، برائت خود از دشمنان اهل بیت علیهم السلام را در واقعه عاشورا بیان می کند. سفارش معصومین علیهم السلام در این جهت بسیار بسیار فراوان است.

من جهت تأکید بر این نکته که به هر شکلی که ممکن است، مسأله عزای امام حسین علیه السلام را باید انسان به پا دارد. توجه شما را به روایت دیگری از امام صادق علیه السلام که به جناب اباهارون فرموده اند، جلب می کنم. فرمودند: «مَنْ أُنْشِدَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبَكَى وَأَبْكَى عَشْرَةَ كَتَبَتْ لَهُمُ الْجَنَّةُ» هر کسی بر رثای امام حسین علیه السلام شعری بگوید، در مصیبت آن حضرت، بگیرد و ده نفر را بگیراند، خدای

متعال برای او بهشت را می نویسد؛ «مَنْ أُنْشِدَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبَكَى وَ أُنْكِى حَمْسَةً كُتِبَتْ لَهُمُ الْجَنَّةُ» اگر در مصیبت امام حسین علیه السلام کسی شعری بگوید و پنج نفر پای این شعر این شاعر و مداح گریه کنند، خدای متعال برای او بهشت را واجب می کند؛ «مَنْ أُنْشِدَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبَكَى وَ أُنْكِى وَاحِدًا كُتِبَتْ لَهُمَا الْجَنَّةُ» اگر کسی شعری گفت و حتی یک نفر برای این شعر اشکی ریخت، هم برای شاعر و هم برای گریه کننده، خدای متعال بهشت را واجب می کند.

خوشا به حال شعرايي که در طول تاريخ مظلوميت امام حسين عليه السلام، اشعاري گفته اند و اين اشعار جاويد مانده است. محرم که می شود، تمام در و دیوار، حسینه ها، خیابان ها، تکایا، با اشعار جناب محشتم تزئین می شود:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟ باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟

و آن ترجیع بندها و اشعار زیبایی که جناب محشتم در رثای امام حسین علیه السلام بیان کرده است، اینها در طول تاریخ ماندگار است و هرکسی که با این شعرها گریه کرده و با این مصیبت ها اشک ریخته، این اجر را خدای متعال هم برای شاعر و هم برای گریه کن قرار داده است.

**یقین بدانیم که صاحب عزای این مجالس، حضرت زهرا سلام الله علیها و امام عصر علیه الصلاة والسلام هستند.**

خاطره ای را برای شما نقل کنم که بسیار زیباست. بدانیم که این مجالس و محافل چقدر مورد عنایت است. همه مجالس امام حسین علیه السلام مورد توجه حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها است.

مرحوم آقای علامه مداح از مداح های با اخلاص، یک عمر نوکر در خانه سید الشهداء سلام الله علیه بود. ایشان این خاطره را نقل کردند که بنده از زبان ایشان نقل می کنم.

فرمودند یکی از منبری های تهران در عالم خواب محضر مقدس امام عصر علیه السلام رسیده بود و از حضرت سؤال می کند که: آقا! در این دهه محرم شما کدام مجلس تشریف می برید؟ کدام مجلس مورد توجه شما هست؟ من دوست دارم در آن مجلسی که شما تشریف می برید، شرکت کنم.

حضرت فرموده بودند: تمام مجالس جدّ ما مورد توجه ما است و ما به آنها توجه و نگاه داریم.

باز اصرار کرده بود که نه! آن مجلسی که شما خودتان شرکت می کنید، کدام مجلس است؟

حضرت به او آدرسی داده بودند در یک منطقه ای در جنوب شهر تهران در منطقه شوش. ایشان فردای آن روز رفته بود به همان محل. دیده بود بله! دم در یک پیرزنی هست، یک چارپایه گذاشته است و نشسته؛ یک پرچم سیاه «السلام علیک یا ابا عبدالله» هم بالای سر در زده است و منتظر نشسته است. ایشان گفت که من سلام کردم و گفتم که: شما مجلس روضه دارید؟ گفت: بله! ما این دهه محرم روضه می گیریم.

گفتم: خب! مداح شما، منبری شما چه کسی است؟ چه وقت می آید؟

گفت: والله این ایام سرشان شلوغ است، مجالس زیاد دارند، به ما نمی رسند. گاهی اوقات نمی آیند، گاهی اوقات زود می آیند، نیامده می خواهند بروند و خلاصه نامنظم است و خیلی به مجلس ما توجه نمی کنند.

گفتم که: من حاضرم که این دهه پیام و روضه بخوانم.

گفت: خدا خیرت بده ان شاءالله.

رفتیم در مجلس نشستیم. خانه محقری داشت، سیاه پوش کرده بود و در و همسایه را خبر کرده بود. آمدند نشستند و من هم روضه را شروع کردم. تا گفتم **السلام علیک یا ابا عبدالله** و روضه را شروع کردم، دیدم ضجه، اشک، صدای ناله بلند است. صدای ناله طبیعی نبود، گریه طبیعی نبود، چند نفری بیشتر نبودند از در و همسایه، اما این ها ضجه می زدند. در و دیوار گریه می کرد. فهمیدم آدرس، آدرس درستی است. این جا جایی است که امام عصر علیه السلام خودشان حضور دارند. دل ها را اینگونه منقلب کرده اند و سوزانده اند. هر



روز می آمدم و روضه می خواندیم. چه روضه ای می شد، چه مجلسی می شد، چه اشکی ریخته می شد. روز آخر که مجلس تمام شد، من به این صاحب خانه، آن پیرزن گفتم که من از شما یک خواهش و تقاضایی دارم. گفت: بفرمایید. گفتم که چقدر این چند روز خرج این مجلس کردی؟ پول چایی دادی، پول قند دادی، پول پذیرایی دادی، چه قدر خرج این مجلس کردی؟ گفت: چه کار داری؟ گفتم: من می خواهم بدانم. اصرار کردم، گفت: چکار داری؟ گفتم: اگر اجازه بدهید من می خواهم خرج این چند روز را بدهم. شما چایی دادید، قند دادید، پذیرایی کردید، من می خواهم خرجش را بدهم. نگاهی به من کرد، گفت: خیلی زرنگی ها! گفتم چطور؟ گفت من یک سال در خانه های مردم کلفتی می کنم، رخت می شورم، کار می کنم، جارو می کنم، در طول سال پول کمی پس انداز می کنم که این دهه را برای امام حسین علیه السلام بتوانم روضه خوانی کنم. من این دهه را با پول کلفتی، پول کارگری در خانه مردم تهیه کردم و تو می خواهی بیایی همه ثواب ها را جمع کنی، بروی؟

امام حسین علیه السلام عشاق فراوانی دارد. ببینید تا به حال در طول تاریخ شهادت امام حسین علیه السلام چه ها که نشده است. چه ها که نکرده اند. هنوز محرم نرسیده، در و دیوار شهرها، حسینیه ها آماده برای اقامه عزاست. واقعا باید گفت **«باز این چه شورش است که در خلق عالم است!»** این خدایی است. این حرکت، حرکت خدایی است. آنهایی که می خواستند نور سیدالشهدا علیه السلام، عزای سیدالشهدا علیه السلام، مجالس ابی عبدالله علیه السلام را از بین ببرند، کجا هستند؟ آنان که قصد داشتند این چراغ ها را خاموش کنند، رفتند. اما خدای متعال هر ساله پر فروغ تر، نورانی تر، مجالس بیشتر، هیئات بیشتر، دسته های بیشتر. **يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.** آنها می خواستند با فوت دهان هایشان نور خدای متعال را خاموش کنند. ولی **خدای متعال نورش را زیاد کرد،** بیشتر کرد، پرفروغ تر کرد. وقتی وصل شود به معدن و منبع اصلی که خداست، خدا به این شکل بزرگ می کند و هرکسی هم که به دستگاه امام حسین علیه السلام وصل شود، بزرگ می شود. عرض کردم که تا به حال خیلی ها خواستند این مجالس و محافل را کم رنگ کنند، از بین ببرند. با سیاه پوشیدن مخالفت کردند، با سینه زدن مخالفت کردند، با گریه کردن مخالفت کردند، با صدای بلند اشک ریختن مخالفت کردند. بدانیم که این حقیقتی است که امروز به ما ارث رسیده است. **از وظایف بسیار مهم ما این است که ما مجالس امام حسین علیه السلام را به همان شکل سنتی خودش حفظ کنیم.** مراقب باشیم، مواظب باشیم که از دست ما نرود. واقعا آن چه که از مکتب تشیع به ما رسید، از برکت سید الشهدا علیه السلام و خون مظلومان کربلا بوده است. ما باید به این جهت توجه کنیم و این میراث را پاس بداریم. به هر ترتیبی که می توانیم، در مجالس امام حسین علیه السلام خدمت کنیم. بدانیم که تماشای منظور نظر حضرت زهرا سلام الله علیها است.

می توانی چای بدهی در مجالس؟ بسم الله. چه قدر خیمه هایی که در خیابان ها می زنند، واقعا چه قدر دوست داشتنی هست. در سرما، در گرما، نیمه شب، این جوان ها می ایستند، با چه اخلاصی! با چه ارادتی به امام حسین علیه السلام از زوار پذیرایی می کنند. چای می دهند، شربت می دهند. پذیرایی می کنند. باید کمکشان کنیم، به هر ترتیبی که می توانیم. کسی می تواند یک کیلو قند بدهد، می تواند چای بدهد، می تواند خدمت کند، پذیرایی کند. از خدمتگزاری به مجالس امام حسین علیه السلام دریغ نباید بورزیم. بعضی از بزرگان ما می فرمایند کوچکترین عملی که در این مجالس انجام شود، از دیدگاه آن بزرگواران پوشیده نیست. **در مجلس امام حسین علیه السلام، یک استکان وسط راه است، بردار کنار بگذار. به پای تو می نویسند.** برای متظور می کنند که تا همین مقدار هم در این مجالس سهیم بودی. در برپایی این مجالس، اقامه این مجالس. سیاه پوش کردن شعار ماست، آرم ماست. انسان نباید به آنهایی که بعضی حرف ها می زنند، توجه کند. این را می دانیم که بالاخره کسانی هستند که مغرض هستند. حالا گاهی اوقات اینها جاهلان، گاهی اوقات عامدان، با مظاهر عزاداری امام حسین علیه السلام مخالفت می کنند. اما **باید بدانیم که اصل دین ما، فرع دین ما، همه دین ما، اول دین ما، آخر دین ما همین مجالس و محافل است و روز قیامت آنهایی که خدمت بیشتر کرده اند، آنهایی که توانسته اند با اخلاص به دستگاه امام حسین علیه السلام بیشتر توجه کنند، مقام و جایگاهشان والاتر است.** حالا کسی توانسته روضه خوان باشد، منبری باشد، چای ریز باشد، کفش جفت کن باشد، مجلس بگیر باشد، اطعام بدهد، سیاه ببوشد، اینها را روز قیامت نزدیک ترین افراد به حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها هستند. مگر نشنیده اید این روایت را که خانم روز قیامت از چه کسانی شفاعت می کنند. **حضرت زهرا سلام الله علیها روز قیامت به بهشت نمی رود،**

مگر این که تک تک کسانی که برای فرزندشان حسین علیه السلام به نحوی سهیم بوده اند، آنها را دست گیری کنند. حضرت فرمود: چنان به صحرای محشر نگاه می کند و مانند مرغی که دانه بر می چیند، دوستانش را از ناخلفان جدا می کند. هر کسی که برای فرزندم حسین علیه السلام به دست تشنه ای آبی داده، هر کسی که برای حسینم به گرسنه ای طعام داده، هر کسی که برای فرزندم حسین علیه السلام گریه کرده است، آن روز مورد عنایت و دست گیری حضرت زهرا سلام الله علیها قرار می گیرد و به شفاعت آن حضرت می رسد. ما روز قیامت اگر بخواهیم پیش خانم سر بلند باشیم، اگر بخواهیم از باب الحسین به بهشت وارد بشویم، این فضا آماده است. از این موقعت محرم نباید غفلت کنیم و باید تمام تلاشمان را در جهت بزرگداشت، اعتلا و تعظیم محرم به کار ببریم. به هر نحوی که برایمان میسر است. از هر خدمتی که برای ما ممکن است، در جهت اقامه عزای امام حسین علیه السلام نباید دریغ ورزیم که اگر دریغ کنیم، آن کسی که محروم شده، ما هستیم. و این راه را هم بزرگان ما فرمودند که هر چه انجام دهیم، باز برای مصیبت امام حسین علیه السلام قاصر و مقصر هستیم. ما در مقابل عظمت سیدالشهداء علیه السلام کاری نکرده ایم.

در حالات مرحوم آقا سید عبدالهادی شیرازی، مرجع بزرگ و شخصیت فوق العاده، معروف است که ایشان هنگامی که می خواستند به نماز بایستند، قبل از تکبیر می فرمودند: **السلام علیک یا ابا عبدالله**، سلام بر امام حسین علیه السلام می دادند و سپس می فرمودند: **أشهد أنك قد أقمّت الصلاة و آتیّت الزکاة بعد تکبیر نماز را می بستند.** قبل از شروع نماز می فرمودند: **آن کسی که نماز را به پا داشته است (حقیقت و روح نماز)، امام حسین علیه السلام بوده است.**

داستان های بسیار زیادی در جهت اینکه ما باید از همه این فرصت ها استفاده کنیم، وجود دارد. هم خودمان شرکت کنیم، هم فرزند و اهل و عیالمان را به این مجالس ببریم. ما باید با فرهنگ دینی در این مجالس، بزرگ شویم و این سرمایه ای برای دنیا و آخرت ما و مایه سربلندی و روسفیدی در محضر سیدالشهداء علیه السلام است.

حالا من هم اجازه می خواهم که در شمار روضه خوان های امام حسین علیه السلام و مصیبت خوان های سیدالشهداء علیه السلام چند جمله ای را عرض ادب کنیم تا نام همه ما را جزء روضه خوان ها و گریه کن ها ثبت و ضبط کنند. از خدا بخواهیم که در این دو ماه محرم و صفر، خدای متعال روزی ما را در گریه بر امام حسین علیه السلام زیاد کند. خدا این روزی را به هر کسی نمی دهد. روزی ما را در شرکت در محافل و مجالس زیاد کند. توفیق ما را در جهت اقامه این محافل و مجالس زیاد کند تا برای دنیا و آخرت ما سرمایه و پس اندازی باشد.

**«السلام علیک یا ابا عبدالله و علی الأرواح التي حلت بفنائک علیک منی سلام الله ابدأ ما بقیت و بقی الیل و النهار و لا جعله الله آخر العهد منی لزیارتکم السلام علی الحسین و علی بن الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین علیهم السلام»**

الهی بهر قربانی به درگاهت سر آوردم، نه تنها سر، بلکه بهتر از سر آوردم  
علی علیه السلام را در غدیر خم نبی بگرفت روی دست، ولی من روی خود علی اصغر علیه السلام آوردم  
علی علیه السلام انگشتر خود را به سائل داد اما من؛ برای ساربان انگشت با انگشتر آوردم  
برای آنکه همدردی کنم با مادرم زهرا سلام الله علیها؛ برای خوردن سیلی، سه ساله دختر آوردم

وای از آن لحظه ای که در دل شب، نازدانه هوای بابا به سرش زد. هر چه کردند، آرام نشد. یک دفعه دیدند طَبَقی با روپوشی جلوی نازدانه گذاشتند. روپوش را کنار زد تا سر بریده پدر را ببیند، یک لحظه خشکش زد، یک لحظه با تعجب نگاه کرد، خیره خیره،

بابا من به فدای سر نورانی ات سنگ جفا که زد به پیشانی ات؟

با دست های کوچک و لرزانش سر پدر را برداشت. روی پاهایش گذاشت، خاکسترها را از سر و صورت اباعبدالله علیه السلام پاک می کرد. صدا زد «یا اَبْتَاهُ مَنْ ذَا الَّذِي اُيْتِمَنِي عَلٰی صِغَرِ سِنِّي؟» چه کسی مرا در این سنّ کودکی یتیم کرده است؟ «یا اَبْتَاهُ، مَنْ ذَا الَّذِي قَطَعَ وَرِيدَكَ؟» چه کسی رگ های گردن تو را بریده است؟ آنقدر این نازدانه ناله زد، گریه کرد، یک باره دیدند دیگر ساکت و خاموش شد. نزدیک شدند، دیدند سر به یک طرف، رقیه سلام الله علیها و زینب سلام الله علیها به یک طرف. شب ها همه به یک طرف و آن شب به یک طرف.

### اللعنة الله على القوم الظالمين و سيعلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون

بهترین مکان برای دعا بر فرج امام زمان علیه السلام، مجالس امام حسین علیه السلام است. برای منتقمش دعا کنیم. در این ایام که در مجالس و محافل شرکت می کنیم، یادمان باشد برای فرج مولایمان دعا کنیم تا خدای متعال منتقم خون سیدالشهداء علیه السلام را برساند.

السلام علیکم یا اهل بیت النبوه و رحمة الله و برکاته